

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و پنجم

پائیز ۱۴۰۲

### مقایسه رویکرد سلجوقیان ایران و فاطمیان مصر در واگذاری اقطاعات

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۶/۱۲

پوریا اسمعیلی اسدآبادی<sup>۱</sup>

عباس برومند اعلم<sup>۲</sup>

محسن بهرام‌نژاد<sup>۳</sup>

امیرحسین حاتمی<sup>۴</sup>

این نوشتار رویکردهای سیاسی و نظامی سلاجقه ایران و فاطمیان مصر را در نحوه واگذاری اقطاعات نظامی و استغلال به امیران آن دو حکومت مقایسه می‌کند. مقاله با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای مبتنی بر وصف و تحلیل به این یافته‌ها رسیده است که سلجوقیان و فاطمیان - که در اندیشه گسترش قلمرو نفوذ خود بودند - در رفتاری مشابه هم در عرصه نظام زمین‌داری مبتنی بر اقطاعات، اراضی را برای افزایش انگیزه و اطاعت محض

۱. دکتری تاریخ ایران دوره اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (عج)، قزوین، (نویسنده مسؤول) (historian.p@gmail.com).

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، (a.boroumand@modares.ac.ir).

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (عج)، قزوین، (bahramnejad1345@yahoo.com).

۴. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (عج)، قزوین، (hatami@hum.ikiu.ac.ir).

فرماندهان نظامی، به آنان واگذار می‌کردند. اما این رویکرد با گذشت زمان، به اقتدار امرای نظامی و افول این حکومت‌ها انجامید. فاطمیان بر خلاف سلاجقه که اقطاع استغلال را فقط به امیران نظامی اعطا می‌نمودند، دیوان‌سالاران را هم از این نوع اقطاع بهره‌مند می‌کردند.

**کلیدواژگان:** سلجوقیان، فاطمیان، نظام زمین‌داری، امیران نظامی، دیوان‌سالاری.

#### مقدمه

در این پژوهش جهت‌گیری‌های سلجوقیان ایران (۴۲۹-۵۹۰ق) و فاطمیان مصر (۳۵۸-۵۶۷ق) در چگونگی واگذاری اقطاع نظامی و استغلال به کارگزاران خویش مقایسه و تحلیل می‌شود.<sup>۱</sup> علت انتخاب این موضوع آن است که زراعت به عنوان زیر بنای اقتصادی آن دولت‌ها و به سبب وسعت سرزمین‌هایشان نقش ویژه‌ای در ساختار سیاسی و نظامی آنان ایفا کرده است و عملکرد سلاطین سلجوقی و فاطمی تحت الشعاع این مسأله بود زیرا برای حفاظت از قلمروهای گسترده خویش و دفع دشمنان ناگزیر به کشاورزی وابسته بودند و به عواید حاصل از آن نیاز مبرمی داشتند. از طرفی هم، آنان شیوه واگذاری اراضی به صورت اقطاع را در نظر گرفتند تا کاهش درآمدها و مشکلات مالی را تا حد بسیاری جبران کنند و دستمزد لشکریان و امرای خود را به موقع پرداخت کرده، رضایت زبردستان خویش را فراهم آورند. هدف این مقاله پاسخ به این است که مهم‌ترین وجوه تشابه و تمایز اقطاع استغلال و نظامی در دوره حکومت سلاجقه و خلافت فاطمی چه بوده است؟

۱. اقطاع مشترک دیگری هم وجود داشته است، اما این دو نوع اقطاع، قابلیت بیشتری برای تطبیق دارند.

درباره این موضوع تا کنون تحقیقاتی به صورت تطبیقی انجام پذیرفته است و پژوهشگران در قالب مقالات و پایان‌نامه‌های مختلف و مجزا نظام مالکیت ارضی و اقطاع استغلال و نظامی سلجوقیان و فاطمیان را بررسی نموده‌اند که مهم‌ترین آن عبارتند از: «*اقطاع نظامی در عصر پادشاهان بزرگ سلجوقی و نقش وزیر نظام الملک در پیدایش و تحول آن (۴۲۹هـ/۱۰۳۷م-۴۸۶هـ/۱۰۹۲م)*» از علیان عبدالفتاح الجالودی ترجمه حسین قائمی اصل و سجاد جمشیدیان در سال ۱۳۹۱، مقاله «*تأثیر اقطاع‌داری نظامی بر تضعیف ارکان سیاسی سلجوقیان*» از جمیله یوسفی و اسماعیل حسن‌زاده در سال ۱۳۹۷، مقاله «*تشکیلات اقتصادی فاطمیان در مصر*» از حمیدرضا وردی در سال ۱۳۹۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان از سمیه کیانی با عنوان *مالکیت و تأثیر آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی در دوره سلجوقی* در سال ۱۳۹۱ و پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی از میترا پیرقمی با عنوان *بررسی اقتصاد ایران در دوره سلجوقیان* در سال ۱۳۹۴. کلیه این تحقیقات ابعاد مختلف اقتصاد سلاجقه را بدون مقایسه با سایر حکومت‌ها مورد تحقیق قرار داده‌اند اما در این مقاله به شکل محدود و کاملاً جزئی عملکرد سلجوقیان و فاطمیان در زمینه اقطاع نظامی و استغلال در نظام مالکیت ارضی آنان مقایسه و تبیین خواهد شد و تلاش بر این است که با بررسی دقیق جزئیات و پرهیز از کلی‌گویی و تکرار مطالب تحقیقات پیشین، با استفاده از روش مقایسه تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل، بخشی از تاریخ اقتصادی و اجتماعی مسلمانان در این دوران روشن شود و اطلاعات جامعی ارائه گردد.

### مفهوم اقطاع با تکیه بر اقطاع نظامی و استغلال

اقطاع اصطلاحی در امور ارضی، مالیاتی و دیوانی در قلمرو اسلام است به معنای: واگذاری زمین، آب، معدن یا منافع حاصل از آن با اعطای حق گردآوری خراج و مالیات به کسی

در مدت زمانی محدود و یا نامحدود.<sup>۱</sup> اقطاع با عنوان قطایع (مفرد آن قطیعه) نیز معروف بود. به نظر تعدادی از فقها همچون ابوحنیفه<sup>۳</sup> (م ۱۵۰ق) و مالک بن انس<sup>۴</sup> (م ۱۷۹ق) اقطاع شرط احیا است و بدون اذن امام جایز نیست اما به عقیده امام شافعی<sup>۵</sup> (م ۲۰۴ق) احیا متوقف بر این شرط نیست و هر کس با آبادانی موات می‌تواند آن را تملیک کند و اقطاع دادن امام به معنای حق تقدم به مُقطع در احیای زمین است. بعضی از فقها بسان ابن‌جماعه (م ۷۳۳ق) نیز تملک و آباد نمودن زمین را روا دانسته‌اند.<sup>۶</sup>

از سویی، بنا به عقیده قاضی ابویوسف (م ۱۸۲ق)<sup>۷</sup> املاک و اراضی را تنها در صورت تصرف دائمی می‌توان به افراد واگذار کرد و سلاطین قادر نیستند مالکان یا وراث را سلب

۱. سجادی، «قطاع»، ج ۹، ص ۶۴۳.

۲. ظاهراً اصطلاح اقطاع برگرفته از تعبیر قرآن کریم در آیه چهارم سوره رعد است: وَ فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٌ وَ نَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَ غَيْرُ صِنَوَانٍ يَسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفْضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و در زمین قطعه‌هایی پهلوی هم هست با باغ‌هایی از انگور و کشت و نخل از یک ریشه و یا غیر یک ریشه که همه از یک آب سیراب می‌شوند و ما میوه‌های خوردنی بعضی از آنان را بر بعض دیگر برتری داده‌ایم، به درستی که در این‌ها برای گروهی که تعقل نمایند نشانه‌هایی هست.

۳. فقیه و متکلم بزرگ کوفه و مؤسس مذهب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است.

۴. از فقهای چهارگانه اهل سنت و بنیان‌گذار فقه مالکی.

۵. از فقهای برجسته اهل سنت و پایه‌گذار فقه شافعی.

۶. همان، ص ۶۴۳.

۷. از فقهای نخستین فقه حنفی در کوفه که در زمان خلافت مهدی عباسی (۱۵۸-۱۶۹ق) به منصب قضاوت رسید و در زمان هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ق) قاضی القضاة بغداد نام گرفت. او نخستین فقیهی است که رساله‌ای در حوزه اقتصاد و خراج نگاشت.

مالکیت نمایند.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، بعضی از مورخان معاصر، قطیعه (بخشی از زمین) را غیر از اقطاع دانسته‌اند و آورده‌اند که معنای این دو به مرور زمان با یکدیگر خلط شده است زیرا قطیعه به زمین‌هایی گفته می‌شد که به مالکیت قطعی و موروثی کسی داده شده بود ولیکن اقطاع به معنای تخصیص املاک به لشکریان است. اما این مسأله مبتنی بر شواهد و دلایل دقیقی نیست زیرا چنان که از متون کهن بر می‌آید واژه اقطاع از دیرباز به جای قطیعه به کار می‌رفته و نیز از روایات منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشخص است که اقطاع به معنی مالکیت قطعی هم بوده است. شاید منشأ این خلط، اشتباه میان انواع و مصادیق اقطاع، طعمه و ایغار (زمینی که مبلغ معینی به خزانه می‌پرداخت و مصون از ورود محصلان مالیاتی بود) باشد، حال آن که قطیعه برای مالکین موروثی است یعنی اقطاع التملیک ولی طعمه جنبه ارث ندارد.<sup>۲</sup>

در خلافت اسلامی، اقطاع مهم‌ترین شکل مالکیت ارضی به شمار می‌رفت که عبارت بود از تفویض بهره زمینی به کسی بدون آن که اختیار دیگری در آن جا داشته باشد.<sup>۳</sup> اقطاع در اصل نهادی بود که توسط دولت حاکم به وجود آمد تا دو نقش عمده را به عهده گیرد: نخست، حقوق انحصاری حکومت نسبت به مازاد اقتصادی و دوم، تسهیل مدیریت مالی سپاه در قلمرو یک پادشاهی گسترده.<sup>۴</sup> دولت‌های سلجوقی و فاطمی هم با توجه به گستردگی قلمرو و در اختیار داشتن نیروهای متعدد نظامی و نیز ناتوانی در پرداخت مواجب مجبور شدند تا از نظام مالکیت مبتنی بر اقطاع پیروی کنند و بدین شکل، اقطاع نظامی پدید آمد که در مقایسه با سایر اقطاعات، اهمیت وافری داشت زیرا نظامی‌گری اساس این

۱. ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۹۱.

۲. سجادی، «اقطاع»، ج ۹، ص ۶۴۳.

۳. پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۱۷۰.

۴. ولی، ایران پیشاسرمایه‌داری، ص ۱۸۹.

حکومت‌ها را تشکیل می‌داد و آنان با پیروی از میراث گذشتگان، به خصوص آل بویه،<sup>۱</sup> به این امر همت گماشتند. سلاجقه بر خلاف فاطمیان در ابتدا منافع عشایر و نظام قبیله‌ای را مد نظر قرار دادند و چندان پایبند به کشاورزی نبودند و از اراضی برای چرای دام‌ها استفاده می‌کردند و بدین منظور اقطاعاتی را هم به اقوام خویش، سران طوایف ترکمن و امیران - که در آغاز به توان جنگی آنان اتکا داشتند - بخشیدند<sup>۲</sup> ولی پس از قدرت‌یابی، برای تأمین مخارج حکومت و ارتش بزرگی که تأسیس شده بود، در کنار این اراضی که به جمعیت کوچ‌رو واگذار کردند، به زراعت و تشکیل اقطاعات دیگر روی آوردند.

از این‌ها گذشته، اقطاع استغلال (بهره‌برداری از عواید زمین) هم در نظام مالکیت ارضی ایران عصر سلجوقی جایگاه ارزنده‌ای یافت که در قسمت‌های شرقی قلمرو سلجوقیان رایج بود و در روند توسعه نظام اقطاع در بخش‌های غربی نیز معمول شد.<sup>۳</sup> خلفای فاطمی نیز گاهی زمین‌های دولتی را برای مدت زمان معینی به وزیران و امیران سپاه واگذار می‌کردند و در قبال آن وجهی دریافت می‌نمودند که آن را «اقطاع استغلال» می‌گفتند؛ به طور نمونه، رئیس امور مالیات و خراج مصر، بخشی از اراضی منطقه فسطاط<sup>۴</sup> را به مدت چهار سال به تعدادی از امرای نظامی اهدا کرد و دستور داد تا با زراعت، موجب رونق و آبادانی املاک شوند و سود حاصل از آن را به خزانه دولت واریز کنند.<sup>۵</sup>

۱. کاهن، *تطور الاقطاع الاسلامی ما بین القرنین التاسع و الثالث عشر*، ص ۲۲۱.

۲. یوسفی، *تأثیر اقطاع‌داری در فروپاشی سلجوقیان*، ص ۵۴.

۳. بنداری اصفهانی، *زبدة النصره و نخبة العصرة (تاریخ سلسله سلجوقی)*، ص ۳۱ به بعد.

۴. از شهرهای مصر و نخستین مرکز حکومت مسلمانان که توسط عمرو عاص در فاصله سال‌های ۱۷ تا ۲۰ قمری بنا گردید.

۵. مقریزی، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار*، ج ۱، ص ۸۲.

### مقایسه عملکرد سلاجقه و فاطمیان در نحوه واگذاری اقطاع نظامی

طبق سیاست واگذاری اقطاع، زمانی که خزانه حکومت تهی بود، در ازای خدمت نظامی به امرای نظامی سلجوقی و فاطمی زمین داده می‌شد اما آنان به جای اینکه تنها از عایدات این اقطاع استفاده کنند و تحت فرمان حکومت باشند به نوعی خودمختاری و استقلال رسیدند و بدون این که در اندیشه آبادانی باشند فقط به سود بیشتر و تحت فشار گذاشتن رعایا توجه داشتند. قلمروی سلجوقی از لحاظ اداری دو بخش داشت، ناحیه‌ای که مستقیم زیر نظر سلطان اداره می‌شد و منطقه‌ای که در اختیار امرای بزرگ نظامی برای دریافت مواجب قرار داشت. فرمانروایان حقوق قشون ثابت و قوای چریک را بیشتر از محل اقطاع می‌دادند تا بدین شکل، نفوذ حکومت بر این گروه‌ها حفظ شود. آنان هم در مواقع لزوم سربازانی را به خدمت سلطان می‌فرستادند تا او را در جنگ یا سرکوب یاغیان یاری نمایند. این اشخاص علاقه دائمی به زمین و کشت و زرع نداشتند و تنها کسب سود را مد نظر داشته، از عواید بهره می‌بردند<sup>۱</sup> و پس از آن باعث نابودی املاک می‌شدند و اراضی حاصل خیزتری را تقاضا می‌کردند و لطمات فراوانی به زراعت ایران وارد می‌کردند. این اقطاع‌ها که از نوع استغلال بود و «نان‌پاره» هم خوانده می‌شد، جنبه وراثتی نداشت و قابل انتقال به بستگان و اطرافیان صاحب اقطاع نبود و عمدتاً اراضی خراجی محسوب می‌شد و تحت نظارت دیوان الجیش و شخص عارض قرار داشت.<sup>۲</sup> در عتبه الکتبه آمده است که اسناد و مدارک اقطاع نظامی در دیوان جیش ثبت شده بود و با صلاح دید سلطان سلجوقی به امرای نظامی - بر اساس خدماتی که انجام داده بودند - واگذار می‌شد؛ مثلاً

۱. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ص ۱۲۴-۱۳۸؛ کناررودی و نعیمی، نقش امرای نظامی در ثبات

و بی‌ثباتی سیاسی عهد سلجوقی، ص ۶۱-۶۳.

۲. لمبتون، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ص ۱۲۰.

اسپهبد<sup>۱</sup> مازندران اقطاع مرغوبی را که سه هزار دینار ارزش داشت به سبب خدمات ارزنده‌ای که برای حکومت انجام داده بود در ید خویش گرفت.<sup>۲</sup> گاهی اوقات هم از طرف دیوان عرض<sup>۳</sup> در راستای انگیزه بیشتر فرماندهان نظامی برای دفاع و حراست از مرزها، اقطاعاتی به آنان اعطا می‌شد. سلجوقیان کرمان (۴۳۳-۵۸۳ق) اراضی‌ای را در خطه سیرجان به سپاهیان واگذار کردند تا این افراد از قلمروی آنان دفاع کنند.<sup>۴</sup> در دوران سلطنت ملکشاه (م ۴۸۵ق) نیز به تدبیر خواجه نظام الملک (م ۴۸۵ق) بخش بزرگی از عایدات کشاورزی و باغی به مصرف لشکریان رسید تا با انسجام بیشتری به نبرد با دشمنان (به ویژه در شامات) بپردازند.<sup>۵</sup> پس خواجه نظام الملک نقش مهمی در گسترش اقطاع نظامی در عصر سلجوقی داشت. در آن روزگار برای ضربه زدن به خلافت فاطمی و نیز استحکام بخشیدن به قدرت حکومت در شام، به دوستی با طوایف آنجا - بسان کردها و عرب‌ها - روی آوردند و با مشروعیت بخشیدن به اراضی‌ای که در دست ایشان بود آنان را تحت لوای خود قرار داده، به جنگ با فاطمیان تحریک می‌کردند.<sup>۶</sup>

۱. خاندان اسپهبدان مازندران از صاحب‌منصبان بزرگ پارتی در زمان اشکانیان و ساسانیان بودند که در دوران اسلامی تا اوایل خلافت عباسی به حیات خویش ادامه دادند. رک: ظهیرالدین مرعشی، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، به کوشش محمدحسین تسییحی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.

۲. بدیع، *عتبة الکتبة مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر*، ص ۸۴.

۳. دیوان عرض بر امور مختلف سپاهیان نظارت داشت.

۴. کرمانی، *عقد العلی للموقف الاعلی*، ص ۷۴.

۵. مستوفی، *تاریخ گزیده*، ص ۴۴۹.

۶. ابن قلانسی، *تاریخ دمشق*، ص ۲۰۲.



در طرف مقابل هم با گسترش نفوذ سیاسی و عقیدتی خلافت فاطمیان در شامات و مناطق وسیعی از شمال آفریقا و حتی کرانه‌های خلیج فارس، اداره صحیح این نقاط به برنامه‌ریزی ویژه‌ای نیاز داشت. آنان سعی داشتند تا در رقابت با خلافت عباسی (۱۳۲-۶۵۶ق) و سلاجقه، جایگاه خویش را به خوبی استحکام بخشیده، به تدریج در سرزمین‌های اسلامی رخنه کنند و نیز اجازه ندهند نیروهای نظامی عباسیان و کارگزاران سلجوقی به اراضی تحت سلطه خلفای فاطمی تجاوز نمایند. بنابراین هر قسمت از ناحیه‌ای را که در اختیار داشتند به امرای نظامی واگذار نمودند تا در آنجا مستقر شده، حملات متجاوزان را دفع کنند و هم بر مناطق تسلط یابند و حقوق و دستمزد خویش را از عایدات اراضی بگیرند. از طرفی چون حکومت مرکزی فاطمیان - بسان سلاجقه - با کمبود نقدینگی مواجه بود و یا تمایلی به پرداخت مواجب به صورت نقدی نداشت، در همان ابتدای حاکمیت بر مصر تصمیم بر این شد که با این رویکرد، اعمال قدرت کرده، به اهداف خویش برسند و امیران را نیز خشنود سازند و به آنان انگیزه بیشتری بدهند. فاطمیان معتقد بودند که ارزش محصولات، کمتر از زر و سیم نیست؛ به همین سبب خلفای فاطمی با کمک وزرای خویش، اراضی کشاورزی را به شکل اقطاع از طریق دیوان رواتب (قسمتی از دیوان جیوش) - همچون سلجوقیان - در اختیار نظامیان و بندگان که آزاد شده بودند، قرار دادند. آنان نیز در این املاک بهره خویش را به شکل نقدی و جنسی دریافت نمودند و بر همه ارکان زمین سلطه یافتند.<sup>۱</sup>

از طرفی، وضعیت سیاسی و نظامی مالکان زمین به منشأ قومی و خدمات آنان در گذشته و آینده بستگی داشت که حدود دستیابی به قدرت سیاسی را مشخص می‌کرد؛

---

۱. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۲، ص ۱۱۰؛ ماجد، ظهور الخلافة الفاطمية و سقوطها فی المصر التاريخ السياسي، ص ۲۴۷؛ قلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ج ۳، ص ۵۲۰ و ۵۲۵ و ۵۶۷.

مثلاً کردها که از زمان فضلویه<sup>۱</sup> (م ۴۵۹ق) قدرتمند شدند در همین زمان اقطاع یافتند و لرها با مساعدت ابوطاهر بن علی بن محمد در خدمت سنقر سلغری توانستند بر کهگیلویه و لرستان دست یابند.<sup>۲</sup> و یا ابوکایجار دیلمی (م ۳۸۸ق) با سلطان طغرل (م ۴۵۵ق) صلح کرد و بدین شکل، املاکی را در اختیار گرفت.<sup>۳</sup>

از این‌ها گذشته، مقطع، اقطاع را هم در حوزه قضایی خویش تلقی می‌کرد و مطابق قانون این قدرت را داشت که عدالت برقرار کند و به سپاهیان زمین واگذار نماید. این لشکریان در سلسله مراتب سلطه و تثبیت که حافظ ساختار قدرت نظامی منطقه بودند زمین را تحویل می‌گرفتند.<sup>۴</sup> امرای نظامی فاطمی نیز همچون سلاجقه، اقطاعات را با توجه به خدمت نظامی و سرکوب مخالفان در نواحی مهم و مرزی تحویل می‌گرفتند و درون آن نظام اداری مخصوص به خود را ایجاد می‌کردند و به زیردستان هم املاکی را اهدا می‌نمودند. این دیدگاه خواجه نظام الملک است که مملکت به پادشاه تعلق دارد و او سرزمین و مردمان را به لشکریان سپرده است و این افراد مزد و مواجب خویش را از اقطاع دریافت می‌کنند.<sup>۵</sup> در واقع وی شاه را مالک اراضی می‌داند و نظامیان را تابع قلمداد می‌کند که زمین را از سلطان می‌گیرند و این نوعی لطف و مرحمت محسوب می‌شد و با اشاره سلطان قابل برگشت بود. همین مسأله درباره خلیفه فاطمی نیز صدق می‌کند.

۱. مؤسس حکومت محلی شبانکاره در فارس که از اواخر قرن ششم تا اوایل قرن یازدهم قمری بر مناطقی از اصفهان و بختیاری تا شوشتر با عنوان اتابکان لر بزرگ حکمرانی نمودند.

۲. یوسفی فر و اصغری، بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - سیاسی امرای نظامی سلجوقی در گرایش‌های سیاسی/امرا، ص ۱۲۶؛ ابن بلخی، فارس‌نامه، ص ۱۳۳-۱۳۶.

۳. بدیع، عتبه الکتبه مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر، ص ۸۴.

۴. ولی، ایران پیشاسرمایه‌داری، ص ۲۷۱.

۵. خواجه نظام الملک، سیاست‌نامه، ص ۱۴۴-۱۸۷.

او به عنوان صاحب اصلی سرزمین‌های پهناور خلافت فاطمیان با تدبیر خویش املاکی را به امرای مطیع نظامی اعطا می‌نمود تا بدین طریق دستمزد خود را دریافت نمایند.

از سوی دیگر، رشد اقتصادی مقطعان نظامی و نیز قدرت‌یابی اتابکان به تضعیف اقتصاد سلجوقیان انجامید. اقطاع‌داری به خودی خود می‌توانست به دولت ضربه بزند زیرا در هر ولایت، اقطاعی شبیه دستگاه حکومت مرکزی وجود داشت و ملاکین علاوه بر دارا بودن تشکیلات دیوانی، در اقطاعات خویش سپاه نیز داشتند که مجبور بودند قسمت عمده‌ای از درآمد منطقه تحت سلطه خود را صرف هزینه‌های آنان نمایند و این بر کاهش میزان مالیات ارسالی به حکومت مرکزی اثر می‌گذاشت و توان نظامی امرا را تقویت می‌کرد. بنابراین تمایلات گریز از مرکز را آشکار کردند و شورش‌هایی نیز با پشتوانه نیروهای نظامی خویش تدارک دیدند زیرا سربازان بیش از آن که به سلطان وفادار باشند به آن‌ها وفادار بودند. این مسأله را می‌توان در مورد اینانج و چاولی<sup>۱</sup> به وضوح مشاهده کرد.<sup>۲</sup>

در زمان جانشینان ملک‌شاه، امیران نیز به مقام اتابکی رسیدند. این منصب تا دوران وی به اشخاص مهم و مورد اعتمادی چون خواجه نظام الملک طوسی (م ۴۸۵ق) اعطا می‌شد و در درجه نخست، نوعی ساختار درون سازمانی دربار بود که بعدها سیاسی و نظامی گردید. اما با سستی و ناکارآمدی شاه‌زادگان که بیشتر خردسال بودند، اتابکان این فرصت

۱. از امیران با نفوذ عصر سلجوقی.

۲. یوسفی، تأثیر اقطاع‌داری در فروپاشی سلجوقیان، ص ۱۱۸؛ پیگولوسکا، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ص ۲۷۰؛ بنداری اصفهانی، زبدة النصره و نخبه العصرة (تاریخ سلسله سلجوقی)، ص ۲۴۱؛ حسینی، زبدة التواریخ، اخبار الامراء و الملوك السلجوقیة، ص ۱۷۷.

را غنیمت شمرده، عهده‌دار تربیت، آموزش و تشکیلات دیوانی ولایات آن‌ها شدند و گاه با مادران آنان هم وصلت نمودند و به این صورت، املاک بیشتری در دست گرفته، با موروثی کردن آن، اقطاعات نظامی را به شخصی مبدل ساختند و جاه‌طلبانه از نظارت حکومت مرکزی خارج شده، شرایط اسفناکی را برای مملکت رقم زدند.<sup>۱</sup> گاه می‌شد که یک شاه‌زاده سلجوقی زیر نظر تعدادی از اتابکان رشد می‌کرد؛ مثلاً سلطان محمد بن ملک‌شاه در سال ۵۰۵ قمری مودود بن آلتون‌گین، مقطع ولایت موصل را اتابک مسعود نمود. وی دو سال بعد با توطئه درباریان از میان رفت و آق سنقر برسوقی به اتابکی برگزیده شد. او نیز مدتی بعد عزل گردید و اقطاعات و اموالش به چاوش بیگ، اتابک جدید رسید. آق سنقر با طرح نقشه و دسیسه، مادر مسعود را به زنی گرفت و با فرمان سلطان محمود برای دومین مرتبه اتابک وی شد و بر اراضی بیشتری دست یافت و به استقلال رفتار کرد.<sup>۲</sup>

اتابکان در تحولات سیاسی و اجتماعی عصر سلجوقی نقش به‌سزایی را ایفا نمودند و در زمان ضعف سلاجقه بر سلطان تسلط داشتند و برای حفظ منافع خویش تصمیمات خاصی را اتخاذ می‌کردند و از شخصی حمایت می‌نمودند که به نفع آنان عمل کند؛ مثلاً اتابک بوزابه که با سلطان محمود بن محمد درگیری داشت، دو تن از فرزندان وی به نام‌های محمد و ملک‌شاه را از حبس رها کرد و به همراه آن‌ها با سلطان به نزاع برخاست و محمود نیز با اتابک ایلدگز و چاولی درصدد مقابله برآمد. در نهایت بوزابه با تدبیر و

۱. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۲۷؛ منشی کرمانی، نسائم الاسحار من لطائم الاخبار در تاریخ

وزراء، ص ۴۰؛ ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۱۰، ص ۳۸۴.

۲. حسینی، زبدة التواریخ، اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه، ص ۹-۹۶-۱۵۸؛ ابن اثیر، تاریخ

کامل، ج ۱۰، ص ۴۱۵-۴۲۲.

نقشه‌ای مناسب، محمد را به قدرت رسانید.<sup>۱</sup> و یا قراجه ساقی در نبرد با سنجر، از سلجوقشاه حمایت کرد.<sup>۲</sup>

در دستگاه خلافت فاطمی هم برخی از امیران به نوعی استقلال طلب بودند و از هر فرصتی برای رسیدن به اهداف خویش و تضعیف خلافت بهره می‌بردند که در پی آن بخش‌های وسیعی از زمین‌های حاصل خیز مصر که عایدات بسیاری داشت از سلطه خلفا خارج و خزانه حکومت تهی شد؛ قدرت خلفا کاهش یافت و بر اقتدار امرای نظامی افزوده می‌شد.<sup>۳</sup> این امیران پس از کسب قدرت، به پشتوانه ارضی خویش و عایداتی که به دست آورده بودند از فرامین حکومت مرکزی سرپیچی کردند و چون از ضعف و سستی خلیفه هم آگاه بودند با تلاش بسیار، دولتی درون حکومت فاطمی تأسیس کرده، یکپارچگی خلافت فاطمیان را تحت الشعاع قرار دادند و از طریق اقتصاد کشاورزی و تجارت غلات به سودهای کلانی رسیدند و بدین ترتیب توانستند مواجب سپاهیان خود را به موقع بپردازند و آن‌ها را از اطاعت خلیفه برهانند و حتی به سایر املاک مرزی و اطراف قلمرو خلیفه هم دست‌اندازی نموده، آن را در تصرف خویش درآوردند.<sup>۴</sup>

از طرف دیگر، امرای نظامی برای تثبیت جایگاه خود با مخالفان خلیفه هم ارتباط برقرار کردند تا بدین شکل، امنیت یابند و بر اقتدار خویش بیفزایند. این تضعیف نهاد خلافت، نتیجه واگذاری اقطاعی بود که خلفای فاطمی با اطمینان خاطر اهدا کردند تا کسری خزانه حکومت را جبران کنند اما نتیجه آن - بر خلاف توقع آنان - پیدایش نیروهای گریز از مرکزی شد که به دستگاه خلافت آسیب رساند و پیامدهای ناگواری را در

۱. شبانکاره‌ای، مجمع‌الانساب، ج ۲، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۲. ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۱۰، ص ۶۷-۶۸.

۳. العبادی، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، ص ۲۹۵.

۴. فؤاد سید، الدولة الفاطمیة فی مصر، ص ۲۸۶.

مصر رقم زد که شباهت زیادی به وضعیت سلجوقیان دارد که آنان هم با چنین مشکلاتی مواجه بودند. سلجوقیان بسان مصریان این اقدامات را انجام دادند و بی‌تدبیر و عجولانه در یک رویکرد نادرست، باعث قدرت‌یابی جمع‌کثیری از امرای نظامی شدند. در این میان تنها تفاوت، شکل‌گیری نهاد اتابکی در ساختار حکومتی سلاجقه بود (که منشأ آن را می‌توان در سازمان اجتماعی و رسوم ترکمانان یافت)، سیاستی که فاطمیان هرگز اتخاذ نکردند زیرا با ساختار اجتماعی و فرهنگی آنان سازگار و مرتبط نبود. با این حال، اتکای مفرط به توان نظامیان و عدم پرداخت مستمری آنان به شکل نقدی و اعطای بیش از حد اراضی، به انحطاط این حکومت‌ها انجامید.

در کنار این مسائل، فاطمیان نیز با تدبیری خاص دیوان اقطاع نظامی را بنیاد نهادند که بر اراضی تحت تسلط سپاهیان نظارت داشت. زمانی هم که یک زمین‌ساحب و مدعی نداشت دیوان مجلس، طبق قوانین و مقررات آن را به اقطاع می‌داد و برای چهار سال مالیاتی را در نظر می‌گرفتند که طبق برنامه، گردآوری می‌شد.<sup>۱</sup> این رویکرد دربار فاطمی باعث شد تا سپاهیان مانند همتایان خویش در ایران به قدرت قابل ملاحظه‌ای برسند و در اقطاعات به نوعی خودمختاری و استقلال دست یابند به طوری که تلاش کردند تا بر خلفا هم نفوذ یافته، حکومت را تحت فشار بگذارند. در واقع چنین مسائلی از نظر اقتصادی و اجتماعی ضربه سختی بر پیکره نهاد خلافت وارد کرد و سقوط این سلسله را تسهیل و تسریع نمود.

اما در منطقه شامات که مورد نزاع سلاجقه و فاطمیان بود، نظامیان هر یک از دو طرف اقطاعاتی داشتند و فقط در پی منافع خویش و درصدد جمع‌آوری عایدات فراوان بودند. آنان به آبادانی مزارع اهمیتی نمی‌دادند و به بهره‌کشی و استثمار روستاییان می‌پرداختند و در نهایت این کارها به زیان مردمان و دولت‌ها شد؛ به خصوص برای

۱. ابن الطویر، نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین، ص ۸۶.

سلجوقیان که در زمان ایشان دستگاه تیول نظامی یا اقطاع، وسیع‌تر و عمیق‌تر شد و بر اثر آن صاحبان اقطاع بزرگ، تقریباً مستقل و منفک از حکومت مرکزی شدند.<sup>۱</sup> تفاوت اصلی بین مالکان با صاحبان اقطاع نظامی در حکومت‌های ایران و مصر این بود که زمین‌داران سابق به منافع خویش و آبادانی اراضی واقف بودند و فلاحان را مورد جور و ستم شدید قرار نمی‌دادند و طی قرون متمادی مایه استحکام کشور بوده، در دربار حاکمان نیز نفوذ داشتند. اشخاصی چون خواجه نظام الملک و عمیدالملک کندری (م ۴۵۶ق) در دربار سلجوقی و ابن کلس<sup>۲</sup> (م ۳۸۰ق) نخستین وزیر مشهور فاطمیان مصر از همین گروه بودند و تا حدودی از رعایا حمایت می‌کردند. اما اقطاع‌داران نظامی، آزادی کشاورزان را محدود کرده، ایشان را به بیگاری واداشتند و با اخذ سهمیه اضافی از غلات، صدمات زیادی به این قشر وارد ساختند.<sup>۳</sup>

از این‌ها گذشته باید به این نکته اساسی اشاره کرد که در مقایسه با فاطمیان، پایگاه اجتماعی سلجوقیان را در آغاز چادرنشینی و نظام عشیره‌ای تشکیل می‌داد؛ به طوری که ابن خلدون می‌نویسد:

مردمی که معاش خویش را از راه پرورش چارپایان مانند گاو و گوسفند به دست می‌آورند ناگزیرند برای جستجوی چراگاه‌ها و آماده کردن آب حیوانات خود در حال حرکت و بیابان‌گردی باشند زیرا آمد و شد از سویی به سوی دیگر برای ایشان شایسته‌تر است و آنان را گوسفنددار یا مال‌دار می‌نامیدند، یعنی کسانی که عهده‌دار پرورش گوسفند و گاو... این گروه در بیابان‌های خشک و دشت‌های دور پراکنده نمی‌شوند زیرا در این گونه

۱. پیگولوسکایا، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ص ۲۷۹.

2. Ibn - e - Kels.

۳. العربینی، الاقطاع فی الشرق الاوسط، ج ۴، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

سرزمین‌ها چراگاه‌های سرسبز و خرم یافت نمی‌شود...<sup>۱</sup>

و می‌گوید:

پس از مرحله بادیه‌نشینی، در کشورداری ناگزیر و خواهی و نخواهی مرحله شهرنشینی پدید می‌آید، از این رو که دنبال کردن وسایل آسایش و تنعم در کشورداری از ضروریات است و خداوندان و زمامداران دولت همواره در مرحله شهرنشینی و عادات و رسوم آن، از دولت پیشین خویش تقلید می‌کنند زیرا وضع و احوال ایشان را می‌بینند و بیشتر از آن‌ها را از آنان می‌گیرند...<sup>۲</sup>

پس با تأسیس حکومت، فرمانروایان سلجوقی بر خلاف گذشته که تنها به چراگاه فکر می‌کردند در راستای توسعه ممالک خویش و با الگوبرداری از حکومت‌های پیشین، نظامی‌گری را در اولویت قرار دادند و همین امر به رشد اقطاع و اعطای زمین برای تأمین مخارج سپاهیان انجامید و بدین سان وجه نظامی اقطاع بر وجه اداری آن غلبه کرد و امورات دیوانی و اداری و نیز کارکردهای حکام محلی در وجود فرماندهان سپاه ادغام گردید.<sup>۳</sup> ولی فاطمیان بر خلاف سلاجقه، به نظام ایلیاتی وابستگی نداشتند و از ابتدای تشکیل دولت و در هنگام اقتدار، این دیوان‌سالاران بودند که صاحبان اصلی اقطاع محسوب می‌شدند و اراضی هم با رأی آنان و موافقت خلفا به نظامیان تعلق می‌گرفت و در دوران ضعف خلافت بود که امرای

۱. ابن خلدون، مقدمه، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳. هاشمی هزاوه، سیر تحول وقف و اوقاف در دوره سلجوقی، ص ۲۶؛ ولی، ایران

پیش‌اسرما به‌داری، ص ۲۰۶-۲۱۲.



نظامی با روی کار آمدن بدر الجمالی (م ۴۸۷ یا ۴۸۸ ق) که خصایص نظامی داشت، قدرت یافتند و اهل دیوان را کنار زدند و با انجام فتوحات مختلف و تصرف اراضی، خود مالکان بزرگی شدند.<sup>۱</sup>

از طرفی هم در زمان سلطان ملکشاه، لشکر همواره ملازم وی بوده، اسامی ایشان در جراید اقطاعات ثبت شده بود که طبق گفته راوندی چهل و شش هزار سواره و یا به قول خواجه رشیدالدین فضل الله پنجاه هزار مرد کار بودند و در اطراف و اکناف سرزمین‌های سلجوقی املاک داشتند<sup>۲</sup> که نظام الملک اقطاع آن‌ها را هزار دینار قرار داد و به قول صدرالدین ابوالحسن علی حسینی: «نیم آن را به بار سمرقند حواله کرد و نیم دیگر را از سرزمین روم بخواست و درهمی از آن را درنگ نیفتاد. او نخستین کسی بود که ترکان را اقطاع داد».<sup>۳</sup> اما در مصر چنین اقدامی مرسوم نبود و اهل دیوان و دربار به خلیفه نزدیک بودند. خواجه نظام الملک با نفوذ حدود بیست هزار نفر نیروی نظامی با عنوان «ممالیک یا غلامان نظامیه» فراهم آورد که تحت امر او قرار داشتند و حتی به فرمان وی از جان سلطان نیز حفاظت می‌کردند و دستمزد این افراد از طریق اعطای اقطاع داده می‌شد.<sup>۴</sup> ولی در دربار خلفای فاطمی حتی وزرای که منصب نظامی داشتند از نیروهای ویژه نظامی به آن شکل که در ایران عصر سلجوقی رایج بود بهره نمی‌بردند.

۱. ابن ظافر، اخبار الدول المنقطعة، ج ۱، ص ۷۶.

۲. راوندی، راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، ص ۱۳۱؛ فضل الله همدانی، جامع التواریخ، ج ۲، ص ۲۹۳.

۳. حسینی، زبدة التواریخ، اخبار الامراء و الملوک السلجوقیة، ص ۱۰۰.

۴. آقسرایبی، تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار، ص ۲۲.

### مقایسه رویکرد سلاطین سلجوقی و خلفای فاطمی در اعطای اقطاع استغلال

واگذاری اقطاع استغلال در دوران سلجوقیان، به امیران و صاحب‌منصبان قدرت بیشتری می‌داد و به گسترش نفوذ آنان در مملکت می‌افزود و از آبادانی اراضی جلوگیری می‌کرد.<sup>۱</sup> مقصود اصلی حکومت این بود که در وهله نخست وسیله اطمینان بخشی برای تأمین معاش افراد شایسته جامعه، خاصه جنگجویان مهیا کند و بدین گونه مزد خدمت آنان را بدهد و به کارهای مهم تشویق نماید؛ ثانیاً، با اشراف نظامی، بر رعایا و اقوام مختلف سلطه یابد.<sup>۲</sup> اما فاطمیان اقطاع استغلال را بیشتر اوقات به زیردستان خویش که حتی نظامی هم نبودند واگذار می‌کردند تا از عایدات و سود آن اراضی به جای موجب استفاده کنند.<sup>۳</sup> مثلاً ابن کلس (م ۳۸۰ق) وزیر برجسته فاطمیان در مصر و اقصی نقاط سرزمین شام، مالک این نوع از اقطاعات شد.<sup>۴</sup> خلفای فاطمی چنین اقطاعی را به کارکنان کشتی‌ها، دریانوردان و فرماندهان ناوگان می‌بخشیدند.<sup>۵</sup> به قاریان و معلمان قرآن کریم هم که به دربار خلافت وابستگی داشتند از این اراضی اهدا کردند تا از این طریق مورد لطف خلیفه واقع شوند.<sup>۶</sup>

در دوران ضعف فاطمیان، خلفای این حکومت شیعی با توجه به افزایش قدرت و نفوذ نظامیان و نیز ناتوانی خویش، اراضی زیادی را به شکل اقطاع به آن‌ها واگذار کردند. به طور نمونه طبق نوشته مقریزی، افضل (م ۵۲۶ق) وزیر الحافظ لدین الله فاطمی (م ۵۴۴ق)

۱. بارتولد، ترکستان‌نامه، ج ۱، ص ۶۴۴-۶۴۶.

۲. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ص ۸۵.

۳. قلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ج ۱۳، ص ۱۱۳.

۴. ابن قلانسی، تاریخ دمشق، ص ۵۱.

۵. مقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۱۰۹.

۶. انطاکی، تاریخ الانطاکی المعروف بصلاة تاریخ اوتیخا، ص ۳۰۱.

به دلیل شکایت گروهی از صاحب‌منصبان سپاه از اوضاع اسفناک اراضی، مجبور شد تا زمین‌ها را معاوضه کرده، اقطاع حاصل‌خیزی را طی فرمانی به مدت سی سال به این اشخاص بدهد.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، خلیفه الحاکم بامر الله فاطمی (م. به قولی ۴۱۱ق)<sup>۲</sup> به غیر از امرا و وزرا، به اقشار فرودست کشوری و لشکری هم اقطاع واگذار می‌کرد.

در این دوره، اقطاع‌داری را به طور کلی مقاطعه می‌نامیدند و مالک موظف بود هر سال مال معینی را به دولت بدهد.<sup>۳</sup> در مصر دیوان مجلس (قبل از تشکیل دیوان اقطاع) بر عملکرد مقطعان و مسائل مربوط به اقطاع نظامی و اراضی رسیدگی می‌کرد و به شدت بر اوضاع آنان واقف بود و املاک متعددی را هم واگذار می‌نمود.<sup>۴</sup> در مقایسه با فاطمیان، اقطاع جدیدی که امرای سلجوقی اخذ می‌کردند موروثی نبود و مادام‌العمر از سوی حکومت واگذار می‌شد، یا به طور ادواری تقسیم می‌شد و دیوان جیش که متصدی پرداخت مواجب نظامی بود، بر آن نظارت داشت.<sup>۵</sup> وظیفه اصلی این دیوان، تسعیر یا نرخ‌گذاری ارزش مالی یا عبره اقطاع و در صورت بایر بودن، واگذاری دوباره آن‌ها بود. واگذاری اقطاع متضمن هیچ نوع حقوق قانونی نسبت به ساکنین و رعایای منطقه مورد مقاطعه نبود. این اقطاع صرفاً در ازای مواجب واگذار می‌شد و بهره‌گیرنده می‌توانست در صورت نابرابری درآمد این اقطاع با حقوق و مواجبش، به اختیار خود و یا به درخواست

۱. مقریزی، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار*، ج ۱، ص ۲۴۱.

۲. ابن جوزی، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، ج ۱۵.

۳. سجادی، «قطاع»، ج ۹، ص ۶۵۴.

۴. قلقشندی، *صبح الاعشى فی صناعة الانشاء*، ج ۳، ص ۵۶۶؛ الامین، *صلاح الدین ایوبی بین*

*العباسیین و الفاطمیین و الصلیبیین*، ص ۴۲.

۵. لمبتون، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ص ۱۱۲.

دولت، آن را به دیگری اهدا نماید. از آن جا که صاحب اقطاع هیچ علقه شدید و مداومی به اقطاع خویش نداشت، به توسعه آن علاقه‌ای نشان نمی‌داد. با این حال، به طور مداوم مورد بازرسی قرار می‌گرفتند. ولی این کار دشواری‌هایی در پی داشت و واگذاری اقطاع به نظامیان از سوی آل بویه، غصب و مصادرات وسیعی را به وجود آورد.

از این‌ها گذشته، به تدریج وظایف و مسؤولیت‌های فرمانده نظامی ولایت، محصل مالیات و مقطع (کسی که اقطاع دریافت می‌کرد) در دست یک نفر متمرکز شد و املاک کلانی را پدید آورد که از حیثه حکومت مرکزی خارج بود.<sup>۱</sup> این تغییرات، تحولات اجتماعی را نیز در پی داشت به طوری که ملاکین مادامی که از آن‌ها سلب مالکیت نشده بود و از فروش املاک محروم نگردیده بودند، به جای پرداخت مالیات به حکومت مرکزی آن را به صاحب زمین می‌دادند و نیز آن‌هایی که مستأجر اراضی خالصه به حساب آمدند عملاً مستأجر مقطعی شمرده شدند که درآمد زمین به وی واگذار شده بود اما به تدریج آن‌هایی که بر روی این اراضی زندگی می‌کردند برای حفظ و نگهداری املاکشان در پی کسب حمایت فردی متنفذ برآمدند و همین عامل، باعث اقتدار افراد حمایت‌کننده گردید.<sup>۲</sup> به هر حال، زمین یا اقطاع متناوباً به مالکیت حکومت مرکزی برمی‌گشت زیرا اقطاع‌داران یا مصادره و جریمه می‌شدند و یا بر اثر خرابی، رکود و بی‌حاصلی، اراضی را رها می‌کردند. این ویرانی بر اثر وصول مالیات‌های سنگینی بود که حکومت از ملاکین دریافت می‌کرد.<sup>۳</sup> با وجود این، در پی ضعف و زوال حکومت مرکزی، به تدریج از نفوذ آن‌ها بر مقطع کاسته شد. همین امر موجب قدرت‌یابی ملاکین به ویژه وزرا و متنفذان در اقصی نقاط قلمرو حکومتی آنان گردید و این افراد به مرور زمان بر املاک خویش افزودند

۱. همان، ص ۱۱۲.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۱، ص ۱۳۶.

و به آن توسعه بخشیدند. خواجه نظام الملک در سیاست‌نامه زیر عنوان «اندر مقطعان» به مالکان زمین این چنین توصیه می‌کند:

مقطعان که اقطاع دارند باید که بدانند که ایشان را بر رعایا جز آن فرمان نیست که مال حق بدیشان حواله کرده‌اند از ایشان بستانند بوجهی نیکو و چون آن بستند رعایا به تن و مال و فرزندان و اسباب و ضیاع از ایشان ایمن بمانند و مقطعان را بر ایشان نبود و رعایا اگر خواهند که به درگاه آیند و حال خویش باز نمایند ایشان را از آن باز ندارند و هر مقطع که جز این کند دستش کوتاه کنند و اقطاع او باز ستانند و با وی عتاب فرمایند تا دیگران عبرت گیرند و در جمله احوال ایشان را بیابند دانستن که ملک و رعیت همه سلطان راست و مقطعان و والیان چون شهنه‌اند بر سر ایشان با رعیت همچنان که پادشاه با دیگران تا رعایا خشنود و از عقوبت و عذاب آخرت ایمن باشند.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب خواجه، سلطان را مالک مطلق اراضی می‌داند و مقطعان و کارگزاران را نگهبانان و حافظان آن توصیف می‌کند به طوری که هیچ حقی را به مقطع در راستای حفاظت از مردمی که در اراضی اقطاعی سکونت داشتند در نظر نمی‌گیرد و توجه مقطع به احوال رعایا را مستحق مجازات می‌داند و معتقد است باید اقطاعش گرفته شود تا دیگران از او عبرت گیرند.<sup>۲</sup> همین مسأله درباره خلیفه فاطمی نیز صدق می‌کند. وی به عنوان مالک اصلی سرزمین‌های پهناور خلافت فاطمیان با تدبیر خویش املاکی را به امرای مطیع نظامی اعطا می‌کرد تا بدین طریق فقط دستمزد خود را دریافت نمایند.

۱. خواجه نظام الملک، سیاست‌نامه، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۱۶۴.

اقطاع استغلال بر حسب درآمد زمین برای سلاجقه و فاطمیان دو گونه عشر و خراج<sup>۱</sup> را به دنبال داشت. عشر زکاتی است که موارد مصرف آن در شرع معین شده و رعایت شرط استحقاق در مصرف کنندگان لازم است، پس نمی‌توان آن را به اقطاع داد اما بعضی فقها هم اعتقاد دارند که اگر نیازمند زکات وجود نداشته باشد اراضی قابل واگذاری به امرا است و می‌تواند جنبه استغلال پیدا نماید. اما اقطاع خراجی بر چند گونه است و حکم آن بستگی به احوال مقطع دارد. اگر وی اهل صدقات باشد اقطاع خراج به او جایز نیست زیرا خراج فیء است و به اهل صدقات نمی‌رسد چنان که صدقه نیز به اهل فیء تعلق نمی‌گیرد، اگر چه ابوحنیفه هر دو را جایز می‌داند.<sup>۲</sup> به هر طریق، شکل‌گیری ارتباط مستمر و نبود رویه‌ای پایدار در اقطاع‌ها که نتیجه جابه‌جایی‌های مداوم مقطعان بود، علقه‌های پایدار بین عوامل دخیل در امر اقطاع‌داری ایجاد نمی‌کرد.<sup>۳</sup>

### نتیجه

مقایسه نحوه واگذاری اقطاع استغلال و نظامی در دوران سلجوقیان و فاطمیان نشان می‌دهد که هر دو حکومت با توجه به گستردگی سرزمین‌های ایران و مصر، به تدبیر دیوان‌سالاران و نیروی نظامیان جهت حفظ ممالک و اقتدار خویش نیاز داشتند؛ پس باید به آنان مواجب زیادی پرداخت می‌کردند تا این افراد مطیع فرامین و خادم زمامداران

۱. عشر به معنای یک دهم محصول است و خراج نیز نوعی مالیات اسلامی است که به زمین و همچنین سالانه به مقدار معینی از محصولات کشاورزی یا مقداری از اموال مسلمانان تعلق می‌گرفت.

۲. سجادی، «اقطاع»، ج ۹، ص ۶۴۵.

۳. یوسفی فر و اصغری، بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - سیاسی امرای نظامی سلجوقی در گرایش‌های سیاسی امرا، ص ۱۱۸.

باشند. سلاطین سلجوقی و حاکمان فاطمی که قادر نبودند همواره حقوق نقدی بپردازند و بیشتر اوقات به سبب زیادی هزینه‌ها و نبردهای سنگین و متعدد، خزانه‌ای خالی داشتند، ناگزیر بودند اراضی حاصل‌خیز در جای‌جای قلمرو خویش را به صورت اقطاع واگذار کنند تا بدین شکل، کسری بودجه دربار جبران شده و رضایت خاطر کارگزاران فراهم گردد. آنان در ابتدا با تأسیس دیوان اقطاع، املاک را به بخش‌های مختلف تقسیم و با توجه به مرتبه سپاهیان، دیوانیان و شاهزادگان اقطاعی را اهدا کردند. از طرفی، موقع واگذاری زمین‌ها در اندیشه آبادانی نیز بودند که می‌توانست افزایش عایدات و رونق زراعت را در پی داشته باشد اما در عمل چنین اتفاقی در بیشتر اراضی رخ نداد و مالکان به سود و بهره‌وری و اخذ مالیات از فلاحان و رعایا با ظلم و ستم‌گرایی داشتند و از همه ظرفیت‌های مزارع و املاک در راستای مقاصد شخصی استفاده کردند. حتی امرای نظامی در مناطق تحت سلطه خود سپاهیان شخصی تدارک دیدند و به جای کمک به سلطان گاه بر ضد وی به پا خاسته، تمایلات گریز از مرکز نشان دادند و به زوال حکومت‌ها دامن زدند.

خاستگاه سلاجقه قبیله‌ای بود و تا زمانی که به پادشاهی بزرگی نرسیدند اهمیت کشاورزی و باغداری را درنیافتند و از مراتع و اراضی برای چرای دام‌ها بهره می‌بردند و همین مسأله به زمین‌ها آسیب‌های جدی رسانید و حتی در دوران سلطنت از اهدای اقطاع، بهبودی وضعیت اقتصادی مردم را نمی‌خواستند و مستبدانه فقط به اهداف و منافع خویش می‌نگریستند. فاطمیان نیز تا حدود بسیاری چنین تمایلاتی داشتند اما زندگانی آنان بر کوچ‌نشینی و نظام ایللیاتی استوار نبود و نیز در زمان اوج قدرت، بیشتر اراضی را به اهل دیوان بخشیدند زیرا برای اداره امور داخلی مملکت به توان آن‌ها متکی بودند. با این حال، موقعی که به انحطاط افتادند نظامیان با قدرت زیاد بر دیوان سالاران غلبه یافتند و بیشتر اقطاع‌ها را به دست گرفتند و باعث بروز هرج و مرج در قلمرو خلافت فاطمی شدند.

رسم اقطاع، به ویژه از نوع استغلال و نظامی، شاید در کوتاه‌مدت و در ظاهر برای حاکمان سلجوقی و فاطمی مفید و مهم تلقی می‌شد ولی پیامدهای آن در بلندمدت به ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنان صدمه زد و مشکلات فراوانی به بار آورد که حاصل مدیریت ضعیف زمامداران در امر اقطاع بود و سبب شد که گیرندگان اقطاع از آن برای مصالح خویش سوء استفاده نمایند.



## منابع

۱. آقسرایبی، محمود بن محمد، تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار و مسایرة الاخيار، به اهتمام و تصحیح عثمان توران، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.
۲. ابن اثیر، عزالدین، تاریخ کامل، ترجمه سید حسین روحانی، سوم، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
۳. ابن بلخی، ابوزید احمد، فارس نامه، به اهتمام سید جلال الدین طهرانی، تهران: مطبعه مهر، ۱۳۱۳.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، دهم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۵. ابن الطویر، ابو محمد عبدالسلام، نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین، محقق ایمن فؤاد سید، اشتوتگارت: النشرت الاسلامیه، ۱۹۹۲ م.
۶. ابن ظافر، علی، اخبار الدول المنقطعة، به کوشش آندره فره، قاهره: ۱۹۷۲ م.
۷. ابن قلانسی، ابویعلی حمزه، تاریخ دمشق، محقق سهیل زکار، دمشق: دارحسان، ۱۹۸۳ م.
۸. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، کتاب الخراج، ترجمه میر علی اصغر شعاع، کابل: بنگاه انتشارات میوند، ۱۳۳۵.
۹. الامین، حسن، صلاح الدین ابویبی بین العباسیین و الفاطمیین و الصلیبیین، لبنان: دارالحدید، ۱۹۹۵ م.
۱۰. انطاکی، یحیی بن سعید، تاریخ الانطاکی المعروف بصلته تاریخ اوتیخا، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، طرابلس: جروس برس، ۱۹۹۰ م.
۱۱. بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ، ترکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
۱۲. بدیع، منتجب الدین، عتبه الکتبه مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر، به تصحیح و اهتمام محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۹.
۱۳. بنداری اصفهانی، فتح بن علی، زبده النصره و نخبه العصرة (تاریخ سلسله سلجوقی)، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.

۱۴. پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ، *اسلام در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، چهارم، تهران: پیام، ۱۳۵۴.
۱۵. پیگولوسکایا، ون و دیگران، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۵۳.
۱۶. حسینی، صدرالدین ابوالحسن علی، *زبدة التواریخ، اخبار الامراء والملوک السلجوقیة*، ترجمه رمضانعلی روح‌الهی، تهران: انتشارات ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۰.
۱۷. خواجه نظام الملک، ابوعلی حسن، *سیاست‌نامه*، به تصحیح عباس اقبال، دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۶۹.
۱۸. راوندی، محمد بن علی، *راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق*، به سعی و تصحیح محمد اقبال، لیدن: مطبعه بریل، ۱۹۲۱.
۱۹. سجادی، صادق، «قطاع»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۶۴۳-۶۶۵.
۲۰. شبانکاره‌ای، محمد بن علی، *مجمع الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۲۱. العبادی، احمد مختار، *فی التاریخ العباسی و الفاطمی*، بیروت: دارالنهضة العربیة، بی تا.
۲۲. العرینی، السید الباز، *الاقطاع فی الشرق الاوسط: منذ القرن السابع حتى القرن الثالث عشر المیلادی*، *دراسة مقارنته*، مجله: *حولیات کلیه الآداب (جامعه عین شمس)*، ۱۹۵۷ م.
۲۳. فضل الله همدانی، رشیدالدین، *جامع التواریخ*، به اهتمام احمد آتش، تهران: نیای کتاب، ۱۳۶۲.
۲۴. فؤاد سید، ایمن، *الدولة الفاطمیة فی مصر*، قاهره: الدارالمصریة اللبنانیة، ۱۴۱۳ ق.
۲۵. قلقشندی، احمد بن علی، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، بی تا.
۲۶. کاهن، کلود، *تطور الاقطاع الاسلامی ما بین القرنین التاسع و الثالث عشر*، مجله الاجتهاد، شماره ۱، ۱۹۸۸ م.

۲۷. کرمانی، افضل الدین ابوحامد، *عقد العلی للموقف الاعلی*، به تصحیح و اهتمام علی محمد عامری نائینی، تهران: بی نا، ۱۳۱۱.
۲۸. کنارودی، قربانعلی و نعیمی، سهیلا، *نقش امرای نظامی در ثبات و بی ثباتی سیاسی عهد سلجوقی*، فصل نامه علمی - پژوهشی تاریخ، سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، ص ۷۵-۵۷.
۲۹. لمبتون، آن، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، دوم، تهران: نی، ۱۳۸۲.
۳۰. \_\_\_\_\_، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، سوم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۳۱. ماجد، عبدالمنعم، *ظهور الخلافة الفاطمية و سقوطها فی المصر التاریخ السیاسی*، چهارم، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۴۱۴ق.
۳۲. متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۳۳. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۳۴. مقریزی، تقی الدین ابی العباس، *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء*، قاهره: المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه - لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۵. \_\_\_\_\_، *المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط والآثار*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۳۶. منشی کرمانی، ناصرالدین، *نسائم الاسحار من لطائف الاخبار در تاریخ وزراء*، به تصحیح و مقدمه و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴.
۳۷. نیشابوری، ظهیرالدین، *سلجوق نامه*، ذیل سلجوق نامه ابوحامد محمد بن ابراهیم، تهران: کلاله خاور، ۱۳۳۲.
۳۸. ولی، عباس، *ایران پیشاسرمایه داری*، ترجمه حسن شمس آوری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۳۹. هاشمی هزاوه، فاطمه، *سیر تحول وقف و اوقاف در دوره سلجوقی* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، ۱۳۹۲.

۴۰. یوسفی، جمیله، تأثیر اقطاع‌داری در فروپاشی سلجوقیان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء ع.ز.ع.، ۱۳۸۷.

۴۱. یوسفی‌فر، شهرام و اصغری، بهزاد، بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - سیاسی امرای نظامی سلجوقی در گرایش‌های سیاسی امرای، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۱۱-۱۳۶.